

گفتمان ارتشی دفاع مقدس؛ ارتش و مراحل چهارگانه جنگ تحمیلی

سید ناصر حسینی^۱-آرش سرابی تبریزی

چکیده

بیست و هفت سال پس از پایان جنگ ایران و عراق، تاریخ نگاری، وقایع نگاری و یا روایت های دفاع مقدس همواره مورد توجه مورخین و کارشناسان این رشته قرار دارد و هرکدام با رویکردهای مخصوص به خود به آن پرداخته و بدنبال چرایی آغاز جنگ و چگونگی دفاع سرسختانه رزمندگان اسلام از سرزمین مادری خود می باشند. نگارنده در این نوشتار، روند جنگ هشت ساله ایران و عراق را براساس اسناد موجود در ارتش جمهوری اسلامی ایران بررسی نموده است. نوزده ماه پس از انقلاب و قبل از جنگ، کشور فضای پراشتهای سیاسی را تجربه می کرد. رهبران سیاسی، نسبت به تهدیدات نظامی که از سوی رژیم بعثی عراق متوجه کشور بود فاقد رویکرد واحدی بودند. ارتش بدلیل سوابقی که از نظر اطلاعاتی و عملیاتی در مورد همسایه غربی خود در اختیار داشت، طرح هایی را توسط نیروهای سه گانه، برای مقابله احتمالی با دشمن تهیه کرده بود و آمادگی به اجرا گذاشتن آنها را داشت. فضای بی اعتمادی نسبت به ارتش که با کشف کودتای نافرجام نقاب تشدید شده بود، مانع از هرگونه اقدام ارتش بعنوان عملیات پیش دستانه شده بود، اما پس از تهاجم اولیه عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، دست ارتش برای هرگونه اقدام متقابل باز شد و از آن پس فرماندهان ارتش برای متوقف کردن و تثبیت ارتش متجاوز توسط نیروهای زمینی و هوایی و دریایی اقدامات لازم را انجام داده و در سال اول جنگ قریب یکصد عملیات را برای تثبیت و فرسوده کردن ارتش عراق انجام دادند. در سال دوم، تمرکز قوا انجام شد و با حضور یگان های مردمی و با روحیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عملیات های بزرگی موسوم به دفع تجاوز انجام شد و دشمن تا مرزهای بین المللی عقب رانده شد. از سال سوم تا پایان جنگ نیز به منظور تنبیه و تعقیب متجاوز عملیات های متعدد و بزرگی انجام گرفت لیکن بدلیل حمایت های بی دریغ جامعه جهانی از عراق به توفیق صد در صد نایل نشد. جمهوری اسلامی ایران علیرغم میل باطنی، مجبور شد در تابستان سال ۱۳۶۷، برای پایان جنگ به قطعنامه ۵۹۸ پاسخ مثبت دهد. نگارنده در این مقاله روند جنگ هشت ساله را با رویکردی واقع گرایانه متکی بر اسناد بررسی می نماید.

۲

واژگان کلیدی: گفتمان ارتشی، طرح ابوذری، طرح حر، جنگ ایران و عراق، تاریخ نگاری

^۱ -امیر سرتیپ سید ناصر حسینی-دانش آموخته دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ -ستوان دوم آرش سرابی تبریزی-دانش آموخته دانشگاه امام حسین (ع)

۱- مقدمه

جنگ ایران و عراق، جنگ تحمیلی و دفاع مقدس هر سه اصطلاحی است که برای جنگ هشت ساله ایران و عراق به کار می‌رود. این جنگ، در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز و در ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ با پذیرش و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، پایان گرفت. در حین و پس از جنگ ایران و عراق نویسندگان، تحلیل‌گران و محققان داخلی و خارجی، مطالب فراوانی به رشته تحریر در آوردند که در رسانه‌های مختلف منتشر گردیده است. یک آمار حاکی از این است که بیش از ده هزار عنوان کتاب و هزاران مقاله و سخنرانی در داخل ایران درباره این موضوع بسیار مهم ملی، منطقه‌ای و جهانی به زیور طبع آراسته شده و منتشر گردید. بیش از این آمار، کتاب و مقاله و سخنرانی در رسانه‌های جهانی و منطقه‌ای منتشر شده است. با یک نگاه به مطالب منتشر شده در داخل کشور، به این نتیجه می‌رسیم؛ که تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری جنگ ایران و عراق با نگاه‌ها و منظوره‌های متفاوتی انجام شده و در یک کلام، اتفاقات و وقایع جنگ با تاریخ‌نگاری و وقایع‌نگاری آن مطابقت ندارد، و اگر نگوئیم این وقایع‌نگاری دچار غرض‌ورزی و تحریف‌گشته، حداقل می‌توان گفت که این اتفاقات نظامی با دید کارشناسانه مکتوب و منتشر نشده است. شاید بتوان به این گمانه نیز پناه برد؛ که محققین و نویسندگان مزبور به اسناد رسمی و دقیق‌تر دسترسی نداشته و صرفاً با اطلاعات و دیدگاه‌های خود به وقایع جنگ تحمیلی نگاه کرده‌اند. در هر صورت این مقاله درصدد است تا مبتنی بر راهبردها، اسناد رسمی و نظامی کشور و با دیدگاه فرماندهان و کارشناسان ارتشی، گفتمانی را معرفی نماید که توصیف‌ها و تحلیل‌ها، مستند و مستدل به این اسناد و روایت‌های کارشناسانه و معتبر باشد.

۲- طرح‌های قبل از انقلاب ارتش در مقابل عراق:

تاریخ نظامی معاصر ایران نشان می‌دهد که از زمان به قدرت رسیدن امپراطوری عثمانی در غرب ایران، همواره سلسله‌های مختلف پادشاهی و سیستم حکومتی ایران با همسایه غربی خود در حال کشمکش و اختلاف بوده‌اند و تا به امروز ۲۵ جنگ را روایت می‌کند، که هفت جنگ در قرن شانزدهم میلادی (یازدهم هجری قمری)، ۹ جنگ در قرن هفدهم میلادی (دوازدهم هجری قمری)، هفت جنگ در قرن هجدهم میلادی (سیزدهم قمری) و یک جنگ در قرن نوزدهم میلادی (چهاردهم قمری) و آخرین آن جنگ ایران و عراق در اواخر قرن بیستم (اوایل قرن پانزدهم قمری) اتفاق افتاده است. آنچه که در تاریخ به عنوان علت‌های اصلی برای بروز این جنگ‌ها گزارش شده، عمدتاً اختلافات ارضی و مرزی و قراردادهای کنسولی فی‌ما بین ایران و همسایه غربی بوده است. دو کشور سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی نیز روابط پر تنش داشته‌اند. به همین دلیل ارتش ایران در دهه‌های چهل و پنجاه هجری شمسی، تهدید اول خود را رژیم بعثی عراق می‌دانست و همواره رفتار ارتش این کشور را رصد

می کرد و به دفعات برخوردهای مرزی با ارتش عراق را تجربه کرده بود و برای تقابل احتمالی طرح هایی را نیز در دست داشت که به نمونه هایی از آن و زمان تهیه آنها به شرح جدول (شماره ۱) اشاره می شود:

ردیف	نام طرح	تهیه کننده	سال تهیه	ملاحظات
۱	پیکار شماره ۲	ستاد کل ارتش	۱۳۴۶	مصوب ۱۳۴۷
۲	ابومسلم خراسانی ۲۱	قرارگاه نیروی زمینی	۱۳۵۲	مصوب ۱۳۵۲-۱۳۵۶
۳	شاهین	قرارگاه نیروی دریایی	۱۳۴۸	بمنظور کنترل اروند
۴	سبلان	قرارگاه نیروی هوایی	۱۳۵۲	بمنظور پشتیبانی از طرح ابومسلم
۵	زاگرس	قرارگاه نیروی هوایی	۱۳۵۶	بمنظور زمین گیر کردن ارتش عراق در خاک عراق
۶	عملیات روانی	ستاد کل ارتش	۱۳۵۵	علیه کشور عراق

جدول شماره ۱: طرح های راهبردی ارتش در مقابل عراق قبل از انقلاب

همچنین ارتش ایران، قبل از انقلاب، به دلیل موقعیت منطقه ای کشور، در عملیات های جنگی متعددی مانند جنگ های ظفار در کشور عمان، کمک نظامی به نخست وزیر پاکستان در جهت سرکوبی جدایی طلبان بلوچستان پاکستان، جنگ ویتنام و به عنوان نیروی پاسدار صلح سازمان ملل در لبنان و سوریه (بعد از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی) شرکت کرده و تجاربی اندوخته بود. از طرفی، با توجه به عضویت ایران در پیمان هایی مانند سنتو و سیتو، کارکنان ارتش در تعدادی از رزمایش های منطقه ای و حتی رزمایش های برگزار شده توسط ناتو نیز شرکت می کردند.

۳- شرایط سیاسی - نظامی کشور قبل از آغاز جنگ ایران و عراق

با وجود عدم ثبات سیاسی و نظامی در ماه های اولیه بعد از انقلاب، جمهوری اسلامی ایران در هنگام ورود به جنگ برتری هایی داشت که کمتر مورد توجه سازمان های اطلاعاتی عراق قرار گرفت. این برتری ها عبارت بودند از:

- ۱) عمق راهبردی ایران؛ به این مفهوم که شهرهای اصلی ایران و بیشتر تأسیسات مهم نفتی و حیاتی کشور در مناطقی دور از مرز با عراق قرار داشتند که دور از دسترس نیروی هوایی عراق بودند.
- ۲) وجود ارتش بزرگی که رژیم سابق ایران، پیش از انقلاب آن را تشکیل داده بود. این ارتش برخی تسلیحات پیشرفته امریکایی و غربی را به همراه انبوهی از تدارکات نظامی در اختیار داشت. در حالی که قابلیت و توانایی رزمی نیروهای نظامی به دلیل تصفیه انقلابی لطمه خورده بود، ولی وجود اسلحه و تجهیزات بی شمار در انبارها و نیز کادر آموزش دیده، توان نظامی و دفاعی بالقوه ای را برای کشور به وجود آورده بود که در دوره زمانی بسیار کوتاهی قابلیت بالفعل شدن را دارا بود.
- ۳) تشکیل سپاه پاسداران در اردیبهشت ۱۳۵۸، نیروی بسیج و ارتش ۲۰ میلیونی که حضرت امام خمینی (ره) در پنجم آذر ۱۳۵۸ طی پیامی به تشکیل آن فرمان داد.

۴) شور انقلابی مردم ایران بعد از پیروزی بر رژیم شاه موجب افزایش روحیه مردم و نیروهای مسلح گردیده بود. اگر چه در همین حال، نیروهای سه گانه ارتش با نقاط ضعف متعددی به شرح زیر روبه رو بودند:

۱) توقف واردات هرگونه سلاح، مهمات یا قطعات یدکی از اصلی ترین منبع خرید سلاح ایران یعنی امریکا بعد از انقلاب به ویژه بعد از تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی ایران.

۲) عدم اعتماد برخی مسئولین انقلاب و مردم انقلابی به ارتش، که زمینه ای بود برای دخالت های افراد و سازمان های مختلف در تصمیمات فرماندهان ارتش و به دنبال آن، عدم اعتماد به فرماندهان ارتش بعد از انقلاب، که همین وضعیت به نوعی بی ثباتی را در ارتش حاکم کرده بود. قابل ذکر است که از اول انقلاب تا آغاز جنگ تحمیلی پنج بار در سطح فرماندهی عالی ارتش تغییرات ایجاد شد و پنج رئیس ستاد ارتش به شرح (جدول شماره ۲-۲) در یک مدت کوتاه جا به جا شدند.

ردیف	مشخصات	تاریخ انتصاب	مدت مسؤلیت	حکم انتصاب	شغل پیشین
۱	سرلشگر محمد ولی قرنی	۵۷/۱۱/۲۳	یک ماه و نیم	نخست وزیر وقت (بازرگان)	بازنشسته
۲	سرلشگر ناصر فرید	۵۸/۱/۸	کمتر از چهار ماه	نخست وزیر وقت (بازرگان)	فرماندهی دانشگاه پدافند ملی
۳	سرلشگر حسن شاکر	۵۸/۴/۳۰	پنج ماه	نخست وزیر وقت (بازرگان)	رئیس هیئت علمی دانشکده افسری
۴	سرلشگر محمد هادی شادمهر	۵۸/۱۰/۱	شش ماه	امام خمینی (ره)	معاون رئیس ستاد مشترک
۵	سرتیپ ولی الله فلاحی	۵۹/۴/۱	چهارده ماه	امام خمینی (ره)	فرمانده نزاجا

جدول شماره ۲: لیست رؤسای ستاد ارتش بعد از انقلاب تا قبل از جنگ ایران و عراق

۳) کمبود شدید کادر افسران صف و ستاد که پس از سقوط شاه حدود ۱۲ هزار تن از آنان به هر دلیل از خدمت رها گردیدند. (بدیهی است این امر به ضعف در سلسله مراتب فرماندهی و کنترل ارتش انجامید).

۴) ضعف سامانه اداری و پشتیبانی به ویژه در نیروی زمینی سبب شد تا ارتش نتواند به سرعت از همان میزان تجهیزات و سلاح و قطعات یدکی که در اختیار داشت، بهره برداری نماید، و با توجه به اینکه سامانه انبارداری مکانیزه در نزاجا هنوز راه اندازی نشده بود، لذا اتکا نیروهای ارتش در این زمینه به گروه هایی بود که مأمور جستجو و ردیابی انبارها و زاغه های مهمات، سلاح و تجهیزات یدکی داخل آنها بودند و به دلیل نبودن شناسنامه های لازم برای این زاغه ها، جستجوها با دشواری های بسیاری همراه بود.

۵) خروج مستشاران نظامی از کشور می توانست محدودیت هایی را برای برخی یگان ها به ویژه قسمت های فنی و عملیاتی در نیروی هوایی ایجاد نماید.

شرایط سیاسی کشور، قبل از آغاز جنگ تحمیلی بسیار بی ثبات و بحرانی بود. و به دلیل بروز اختلاف بین جریان های فکری و ایدئولوژیک، وحدت و انسجام ملی در بعد سیاسی- اجتماعی کم رنگ می نمود و هر گروه که در مناصبی قرار گرفته بودند سعی می کردند تا اندیشه و تفکر خود را در صحنه سیاسی کشور حاکم نمایند. لیبرال ها و ملی گراها از یک سو، گروه های چپ و منافقین از سوی دیگر و نیروهای انقلابی و خط امامی در عرصه های مختلف در حال کشمکش بودند. در هر صورت،

اختلاف بین مسئولین و رهبران سیاسی کشور شرایط عدم ثبات را حاکم کرده بود. اما به رغم وجود بی ثباتی و تفرقه در سطح مسئولین کشور، ستاد مشترک ارتش دستورالعمل خود را برای آمادگی نیروها در مقابل تهدیدات احتمالی در زمان ریاست سرلشگر شاکر بر ستاد مشترک ارتش، به شرح زیر:

دستورالعمل شماره ۹ - ۰۶ - ۰۱ - ۲۰۱ - ۱۵ مورخه ۱۳۵۸ / ۸ / ۲۷ اداره سوم (عملیات) ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

صادر می کند. دقیقاً بعد از صدور این دستورالعمل است که نیروهای سه گانه ارتش طرح های خود را برای دفاع از تمامیت ارضی کشور تهیه و به ستاد مشترک ارتش ارسال می نمایند.

۴- طرح های دفاعی ارتش قبل از آغاز جنگ ایران و عراق

طرح ابوذری، مربوط به نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خرداد ۱۳۵۹، تهیه و به ستاد مشترک ارتش ارسال گردید. در این طرح، مأموریت دفاع اولیه نیروی زمینی در مقابل ارتش عراق به ترتیب از جنوب به لشگرهای سرزمینی ۹۲ زرهی اهواز، تیپ ۸۴ خرم اباد، لشگر ۸۱ زرهی کرمانشاه، لشگر ۲۸ پیاده کردستان و لشگر ۶۴ پیاده ارومیه واگذار شد. «طرح ابوذری» از سوی ارتش در ۷۶ صفحه در حالی به بنی صدر رئیس جمهور (وقت) ارائه شد که در آن، گزارش احتمالی حمله ارتش عراق بیان شده بود و ارتش مطابق آن، طرح هایی به شرح زیر برای مقابله با تهدیدات احتمالی داشت: «نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران از دالامپرداغ (مرز مشترک ایران و عراق و ترکیه) تا فاو (دهانه شط العرب در خلیج فارس) از مرز باختری ایران و عراق دفاع نماید و با استفاده از عناصری از لشگر ۹۲ زرهی و تیپ ۵۵ هوابرد از رودخانه اروند رود دفاع نماید. تیپ ۵۵ آماده شود پس از ورود یگانهای تقویتی به منطقه غرب بنا به دستور در سایر مناطق مورد تهدید اعم از درون مرزی یا برون مرزی بکار رود همزمان با اجرای عملیات دفاعی در غرب با امکانات موجود در منطقه، مرز خاوری را از دهانه ذوالفقار تا گواتر پوشش نماید.»

طرح ابوذری برابر اصول جنگی، برای یک جنگ احتمالی چهار مرحله پیش بینی کرده بود؛ نخست: با کشاندن دشمن به مواضع قابل دفاع، حرکت ارتش عراق، در رسیدن به اهدافش را کند کرده و در مسیر او تأخیر ایجاد نماید تا این مواضع کمبود نیروی انسانی ما را جبران کند و در مراحل بعدی با تثبیت دشمن او را فرسوده نموده و پس از شناسایی منطقه و استعداد دشمن نسبت به دفع متجاوز و انهدام او اقدام نماید. به همین منظور، عملیات و تک های محدودی طرح ریزی و اجرا شد. - اما متأسفانه برخی ها، از این تک های محدود به عنوان عملیات های شکست خورده ارتش یاد می کنند. در واقع، افرادی که می گویند این عملیات ها شکست خورده هستند، یا از طرح های ارتش بی خبر هستند و یا از مطالعات دفاعی و نظامی و اصول جنگ اطلاع کافی ندارند. - در هر صورت برابر طرح ابوذری، مأموریت لشکر ۸۱ زرهی، ابلاغ شد و لشکر ۹۲ زرهی نیز طرح (حر) را براساس طرح مزبور تهیه کرده و مأموریت ها را به یگان های خود ابلاغ کرده بود. روز ۲۶ شهریور ۱۳۵۹، نیز با توجه به قرائن و شواهد حمله عراق نیروهای این دو لشکر به حرکت درآمد و در منطقه سرزمینی مستقر شدند. لشکر ۸۱ باید ۶۵۰ کیلومتر را پوشش می داد و لشکر ۹۲ نیز مسئولیت پوشش منطقه ای به عرض ۴۲۰ کیلومتر را برعهده داشت. این درحالی است که در حالت استاندارد هر لشکر می تواند حداکثر در عرض ۳۰ کیلومتر پدافند نماید. - تا اینکه جنگ زمینی با عراق به صورت رسمی با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام در ۲۶ شهریور ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. قابل ذکر اینکه؛ طرح ابوذری در اجرا، عملیات دفاعی از مرزهای غربی ایران را در چهار مرحله (تأخیر، تثبیت، دفع، تعقیب و انهدام متجاوز) پیش بینی کرده بود که گزاره بند مأموریت در مرحله اول آن به شرح زیر می باشد:

نیروی زمینی دفاع را در منطقه با ۴ لشکر و یک تیپ پیاده در منطقه دفاعی مقدم از شمال باختری تا جنوب اجرا

می نماید، لشکر ۶۴ پیاده و لشکر ۲۸ پیاده، بترتیب در شمال لشکر ۸۱ زرهی و تیپ ۸۴ پیاده در مرکز و لشکر ۹۲ زرهی در جنوب، لشکرهای در خط با اعزام عناصر تأمین حرکت متجاوز را در زمین های بلافصل مرز به تأخیر می اندازد.

۵- طرح نبرد البرز در آبان ۱۳۵۸ (نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران)

طرح «نبرد البرز» به جلسه هماهنگی ۱۳۵۸/۸/۱۸ در ستاد مشترک ارتش و راهنمای طرح ریزی ستاد ارتش برمیگردد که رژیم بعث صدام دست به تحرکات و اقدامات مشکوک و خصمانه علیه جمهوری اسلامی زده بود و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با متجاوز، اقدام به صدور راهنمای طرح ریزی طرح البرز و ابلاغ آن به نیروی هوایی کرد. بند ماموریت نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران در طرح البرز به شرح زیر بیان می شود:

نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ضمن دفاع از آسمان ایران حملات انتقامی خود را بمنظور انهدام نقاط حیاتی کشور هدف آغاز و پس از کسب برتری هوایی از عملیات سطحی نیروهای خودی پشتیبانی نزدیک بعمل می آورد.

((شایان ذکر است؛ طرح فوق کمتر از سه ساعت پس از تجاوز دشمن بعثی، به دستور تبدیل و به شرح نامه زیر جهت اجرا به نهجا ابلاغ شد.))

از: سماجا

به: نهجا

موضوع: نامه شماره ۳۶ / ۰۳ / ۲۹ / ۱۷۰۱ / ۲۶ - ۳۱/۶/۱۳۵۹

" دستور فرمایید با توجه به طرح البرز حمله «انتقامی» را آغاز و کلیه هدفهای پیش بینی شده را برابر طرح مورد حمله قرار دهید."

این پیام، توسط سرهنگ قیدیان، معاونت عملیاتی نیروی هوایی با نامه شماره ۳۷۳۵ - بلافاصله به کلیه پایگاههای هوایی ابلاغ شد.

در واقع، نیروی هوایی در ساعت ۱۶۰۰ روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ در کمتر از سه ساعت پس از حمله ۱۹۲ فروندی رژیم بعثی عراق، اولین اقتدار و قدرت هوایی خود را به نمایش گذاشت و به پایگاههای شعیبیه، کوت در استان های کوت و العماره حمله کرد. (قدیمی، ۱۳۸۹: ۶۵) نظر اصلی فرماندهان نیروی هوایی از اجرای سریع اولین عملیات در اولین ساعات پس از هجوم متجاوز، در حقیقت آغاز جنگی روانی علیه استراتژیست های ارتش عراق بود، چرا که آنان حملات هوایی خود علیه نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران را با اتکا بر این باور طراحی کرده بودند که نیروی هوایی توان پاسخ گویی به تهاجم را نخواهد داشت و بی درنگ پس از حملات، شیرازه این نیرو ازهم گسیخته شده و ارکان نظام فرو خواهد ریخت. از سوی دیگر، نظر فرماندهان، اعلام توان مقاومت مقابله به مثل، سرعت، قدرت کوبندگی و قابلیت انعطاف نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به زمامداران عراق بود تا شاید آنان را از ادامه خشونت و دشمنی آشکار باز دارد. اما اصرار نیروی هوایی عراق بر ادامه حملات باعث شد تا صبح روز یکم مهر ۱۳۵۹ با یکی از بزرگترین و کوبنده ترین پاسخ های جنگ های هوایی جهان مواجه

شوند. به این ترتیب نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اجرای بزرگترین عملیات هوایی خود به نام کمان ۹۹ که بر پایه طرح نبرد البرز پیاده سازی گردیده بود، بار دیگر ضربه بسیار سهمگین و غافلگیر کننده ای را به دشمن بعثی وارد ساخت و رژیم بعثی صدام را که یکی از آماده ترین ارتش های آن روز جهان را در اختیار داشت، در بهت و حیرت فرو برد. اهداف این عملیات پایگاه های هوایی، مخازن سوخت و مهمات، پالایشگاه ها، آشیانه هواپیماها، پناهگاه های تعمیرات و نگهداری هواپیما، باندهای پروازی، رادارهای هدایت کننده هواپیماهای جنگی، برج های مراقبت و مراکز مخابراتی عراق در پایگاه های هوایی کرکوک، موصل، رشید، حبانیه، ناصریه، شعیبیه، کوت و المثنی. انتخاب این اهداف از بعد تاکتیکی، دشمن را در ابعاد خدمات پشتیبانی رزمی و آتش پشتیبانی هوایی، دفاع هوایی و اطلاعات و هشدار اولیه در میدان جنگ با موانع زیادی روبرو می ساخت و در نهایت می توانست به تهاجم عراق در خوزستان پایان داده و حرکت دشمن را متوقف سازد. (نورانی، ۱۳۸۴: ۳۶)

۶- طرح ذوالفقار در شهریور ۱۳۵۹ (نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران)

از ابتدای خرداد ۱۳۵۹، چندین بار نیروی دریایی ارتش به حالت آماده باش درآمد، زیرا از بندرعباس که ناوگان یکم نیروی ارتش در آنجا مستقر بود، تا خرمشهر و بوشهر یگان ها آماده باش های مختلفی را تا شروع جنگ تحمیلی تجربه کردند. طرح ذوالفقار به عنوان یک طرح جامع که در آن توضیح داده شده بود، اگر جنگی شروع شود، نیروی دریایی چه واکنشی داشته باشد و چگونه بتواند انسجام خود را حفظ کند، در اختیار نیروی دریایی ارتش قرار گرفت. (شایان ذکر است که نیروی دریایی بدلیل موقعیت خود در منطقه جنوب، در جریان انقلاب کمترین خسارت و فرسایش را متحمل شد و از نظر آمادگی نسبت به سایر نیروها در وضعیت بهتری قرار داشت.)

طرح ذوالفقار یک طرح جامع بود که در آن همه جزئیات مشخص شده بود. از جمله این که در صورت شروع جنگ احتمالی چگونه مقابله کنیم، چگونه گسترش یافته و حتی مسئولیت و آرایش تک تک افراد از سرباز تا فرمانده نیرو در آن شرایط شرح داده شده بود و انواع پیوست های لجستیکی، مخابراتی، عملیاتی و اطلاعاتی را در بر داشت.

دریادار محمد حسین ملک زادگان، فرمانده اسبق نداجا در مورد نحوه اجرای طرح ذوالفقار می گوید: «نیروی دریایی ارتش با شروع جنگ از شب اول هجوم عراق و با توجه به این طرح، در پست فرماندهی تشکیل جلسه داد. در این جلسه که فرمانده وقت نیرو، جانشین، معاون عملیات و من حضور داشتیم، شبانه به قرارگاه تعیین شده در طرح به عنوان نیروی رزمی ۴۲۱ که در پایگاه بوشهر مستقر بود، رفتیم و ستاد فرماندهی نیروی دریایی را تشکیل دادیم. از فردای همان روز برنامه های شناسایی را مطابق برنامه های از پیش طراحی شده شروع کردیم.

از این طرح کلی، ۴۸ طرح و عملیات بیرون آمد که به صورت جزئی به آنها پرداخته بود، که معروف ترین آنها عملیات مروارید است. نیروی دریایی با طرح و برنامه منظم خود توانست واکنش بسیار دقیق و منظمی در برابر حمله دشمن داشته باشد. با توجه به این موضوعات، نیروی دریایی در راستای طرح عملیاتی خود، در اولین گام سکوی های البکر و الامیه و در گام های بعدی شناوری های دشمن را با برنامه ریزی در یک فرصت کوتاه از بین برد که این حرکات به قطع صدور نفت از این سکوها و انهدام کامل نیروی دریایی عراق انجامید و خلیج فارس عرصه سیادت دریایی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران شد. (خاطرات شفاهی دریادار محمدحسین ملک زادگان)

بند ماموریت نیروی دریایی در طرح ذوالفقار به این شرح بود:

"نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران ضمن دفاع از تأسیسات حیاتی کشور در خلیج فارس راه های مواصلاتی دریایی را تأمین و از حرکت کشتی های تجاری بسوی بنادر کشور هدف ممانعت بعمل می آورد."

۷- کودتای نافرجام نقاب

کلمه نقاب نام کودتایی است که به غلط (کودتای نوژه) نامیده می شود. واژه نقاب از حروف اول عبارت (نجات قیام ایران بزرگ) تشکیل شده است. این کودتا که توسط تعدادی از عناصر سیاسی ضدانقلاب و تعدادی از کارکنان ارتش شاهنشاهی و با هدایت سرویس های جاسوسی بیگانه طراحی شده بود، در نهایت توسط کارکنان ارتش شناسایی و خنثی گردید. اگر چه رهبران کودتا در اعترافات خود هدف آن را براندازی نظام جمهوری اسلامی بیان کردند، ولی با توجه به قابلیت های مردمی انقلاب و استعداد و امکانات کودتاگران و حضور کارکنان مؤمن در ارتش، از ابتدا احتمال موفقیت آن بسیار ضعیف بود. با این حال، در هدف حداقلی، می توانست اعتماد مردم و مسئولین کشور را نسبت به ارتش خدشه دار نماید که در واقع به این هدف حداقلی خود رسید. لذا پس از شکست طرح کودتا و در آستانه جنگ ایران و عراق، تعدادی از فرماندهان عالیرتبه و کارکنان ارتش به اتهام شرکت در کودتا دستگیر و بسیاری دیگر از فرماندهان یگان های عمده ارتش، دستخوش دگرگونی و جا به جایی شدند. در حالی که این جا به جایی در زمانی که تهدید حمله عراق در حال عملی شدن بود، آسیب بزرگی به پیکره ارتش وارد کرد و به آمادگی رزمی یگان های ارتش به ویژه نیروی زمینی و نیروی هوایی آسیب قابل توجهی وارد کرد. بنابراین با اجرای طرح کودتای نافرجام نقاب از سوی دشمن و اقداماتی که در جهت مقابله با آن از سوی نیروهای خودی انجام شد، تغییراتی به شرح زیر در سازمان ارتش بوجود آمد:

الف- تعداد قابل توجهی از فرماندهان یگان های حساس آجا دستگیر و یا برکنار شدند.

ب- تعدادی از یگان های ارتش به ویژه در خوزستان (اگرچه بطور موقت) در پادگان ها محصور شدند و از ادامه عملیات آنها ممانعت بعمل آمد.

ت- برای پروازهای عملیاتی و آموزشی نیروی هوایی محدودیت ایجاد گردید.

بنابراین عوامل فوق در نهایت به ضعف قوای ارتش قبل از شروع جنگ منجر شد، اما با این وجود ارتش با تمام قوا و کاملاً هوشمندانه پس از آغاز جنگ از کشور اسلامی دفاع کرد.

۸ - علت های تضعیف قدرت دفاعی و شکست قدرت بازدارندگی قبل از جنگ تحمیلی

بازدارندگی، یک مقوله کشوری و در سطح ملی است و مفهوم آن، این است: "بازدارندگی حالتی است که یک واحد سیاسی با به کارگیری مؤلفه های پنج گانه قدرت (وضعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و نظامی) از خود به نمایش می گذارد تا دشمن را از بکارگیری قدرت نظامی (زور) منصرف گرداند." بنابراین تنها ارتش نمی تواند متولی بازدارندگی باشد. اگرچه بازدارندگی در رفتار نظامی ارتش و نیروهای مسلح تجلی پیدا می کند. اما پرواضح است که ارتش به دلیل شرایط پس از وقوع انقلاب اسلامی از حالت بازدارندگی در برابر عراق خارج شده بود. یعنی پس از اینکه ارتش در مقابل انقلاب اسلامی منفعل شد و ضمن عدم حمایت از رژیم گذشته، حالت بی طرفی اتخاذ کرد و باعث شد انقلاب پیروز شود. به عبارت دیگر، انقلاب اسلامی، ابتدا ارتش را بی خاصیت کرد و سپس به پیروزی رسید. اما پس از این که امام راحل عظیم الشان (ره) تصمیم به استفاده و به کارگیری ارتش برای مقابله با ضدانقلاب و دشمن متجاوز گرفت، بازسازی ارتش شروع شد. بازسازی یعنی

بازگرداندن انضباط، شخصیت و پرستیژی که انقلاب از او گرفته بود تا بتواند به پیروزی برسد. بنابراین طبیعتاً زمانی برای این کار لازم بود. در ثانی آیا سایر مبانی قدرت در بازدارندگی مثل انسجام سیاسی و اجتماعی ملت، توان اقتصادی و... همه پای کار آمده بودند؟ چنانچه به دقت به حوادث بیست ماه اول انقلاب نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که نه فقط ارتش که سایر مولفه های ضامن بازدارندگی نیز از انجام وظیفه بازدارندگی ناتوان بوده اند. همچنین، در این زمان هیچ دستور و یا فرمانی از مقامات مافوق ارتش برای حضور در صحنه دفاع و مقابله با تهدیدات عراق و یا حداقل انجام یک رزمایش و ابراز وجود در مقابل تهدیدات فوق دیده نمی شود. بنابراین با مطالعه شرایط سیاسی پس از انقلاب و بررسی رفتار مسئولین و احزاب و گروه های سیاسی فعال کشور در ماه های اولیه پس از انقلاب به گزاره های زیر می رسیم:

- ۱) عدم باور ملی به ویژه در سطح مسؤلان به تهدید نظامی عراق
- ۲) عدم انسجام در سطح مدیریت کلان و تصمیم ساز و تصمیم گیر کشور
- ۳) وجود اختلافات سیاسی و عدم انسجام در نیروهای دفاعی
- ۴) تضعیف ارتش به دلیل حضور در حکومت نظامی در قبل از انقلاب و بر اثر نابسامانی های پس از انقلاب
- ۵) شکست جمهوری اسلامی ایران در مرحله بازدارندگی و آغاز تجاوز دشمن

۹- اقدامات ارتش پس از حمله ارتش عراق در جهت تثبیت دشمن

با عنایت به اینکه نیروی زمینی، ماهها قبل از جنگ در منطقه غرب و شمالغرب با ضدانقلاب جدایی طلب در کردستان و آذربایجان غربی درگیر بود و بخشی از نیروهایش به شرح جدول زیر در آن مناطق مشغول نبرد بودند، لیکن از زمانی که اولین بمباران های دشمن و حرکات یگان های زمینی او در خاک ایران آغاز شد، دیگر تردیدی باقی نماند که جنگ تمام عیاری علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز گردیده و از آن ساعت موانع برای هرگونه دفاع ارتش برداشته شد.

جدول شماره ۳ یگان های عمده نیروی زمینی درگیر در کردستان همزمان با آغاز جنگ ایران و عراق

ردیف	یگان عمده	یگان	ملاحظات
۱	لشگر ۲۸ سنندج	بطور کامل	در گیر در منطقه سرزمینی
۲	لشگر ۶۴ ارومیه	بطور کامل	درگیر در منطقه سرزمینی
۳	لشگر ۸۱ زرهی	تیپ ۲ بیستون	یک تیپ بطور کامل
۴	لشگر ۱۶ قزوین	تیپ ۳ زرهی همدان	یک تیپ بطور کامل
۵	لشگر ۲۱ حمزه	۳ گردان	تحت کنترل قرارگاه غرب
۶	لشگر ۷۷ خراسان	۴ گردان	تحت کنترل قرارگاه غرب
۷	تیپ ۲۳ نوهده	بطور کامل ۵ گردان	بعد از کودتای نوزده ۳ گردان

۸	تیپ ۸۴ خرم آباد	گردان ۱۸۲،۱۳۹،۱۱۱	۳ گردان
۹	تیپ ۵۵ هوابرد	گردان ۱۳۵ و ۱۲۶	۲ گردان
۱۰	هوانیروز	پایگاه هوانیروز کرمانشاه	تعدادی بالگرد شنوک از اصفهان

در هر صورت نیروهای ارتش برای کند کردن حرکات دشمن، سپس متوقف کردن و تثبیت دشمن یعنی از حالت آفندی به حالت پدافندی در آوردن نیروهای عراقی تلاش خود را آغاز کردند. در این مرحله از دفاع در مقابل ارتش عراق، نیروی زمینی با احضار و آموزش کوتاه مدت (۱۵ روزه) بیش از ۸۵ هزار نفر از سربازان منقضی خدمت ۱۳۵۶، که بعنوان نیروی احتیاط به خدمت فراخوانده شده بودند، یگانهای خود در مناطق عملیاتی را تقویت کرده و مأموریت تثبیت دشمن را به انجام رسانید. نگارنده بر این باور است که موضوع مهم، اساسی و سرنوشت ساز اعلام تثبیت دشمن توسط ارتش، در سال اول جنگ پس از صدور دستورالعمل شماره ۸ نیروی زمینی با امضاء مرحوم سرتیپ ظهیرنژاد در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۲۱ یعنی ۵۱ روز پس از حمله دشمن انجام شده است.

۱۰- تاریخ ورود یگانهای نیروی زمینی به منطقه جنوب

پس از جدی شدن تهدیدات عراق، یگان های نیروی زمینی به مرور آماده شده و برای حضور در مناطق عملیاتی حرکات خود را آغاز کردند. جدول زیر که براساس گزارش یگان ها پس از استقرار در منطقه مأموریت آنها تهیه شده، حاکی از زمان ورود آنها به منطقه جنوب است.

تاریخ ورود یگانهای نزاچا به منطقه جنوب بعد از آغاز جنگ

ردیف	یگان	تاریخ ورود	محل استقرار	فرمانده یگان	ملاحظات
۱	لشکر ۱۶ (-)	۵۹/۷/۱۵	حمیدیه	سرهنگ لطفی	تیپ ۲
۲	لشکر ۲۱	۵۹/۷/۵	غرب دزفول	سرهنگ ورشوساز	بطور کامل
۳	گروه زرهی ۳۷ شیراز	۵۹/۱/۱	منطقه فکه	سرهنگ عباسی	-
۴	لشکر ۷۷ (-)	۵۹/۷/۴	خوزستان	سرهنگ جوادی	-
۵	تیپ ۸۴ خرم آباد	۵۹/۶/۳۱	مهران - دهلران	سرهنگ رزمی	بطور کامل
۶	گروه ۲۲ توپخانه	بمرور تا ۵۹/۷/۳	-	-	بطور کامل
۷	گروه ۳۳ توپخانه	بمرور تا ۵۹/۷/۱۵	مهران - دهلران	سرهنگ صدری	بطور کامل
۸	دو گردان زاندارمری	۵۹/۷/۲۳	خرمشهر	سرهنگ فروزان	۸۰۰ نفر
۹	تی دانشجویان دا- اف	۵۹/۷/۷	خرمشهر	سرهنگ حسنی سعدی	۷۹۶ نفر

جدول شماره ۴: مشخصات یگان های وارد شده به منطقه جنوب (با استفاده از روز شمار جنگ، ۱۳۸۹)

با توجه به طرح ابودر، نیروی زمینی مأموریت داشت با لشگرهای سرزمینی در مناطق غرب و جنوب، ضمن ایجاد پرده پوشش در مقابل تهاجم عراق، با ایجاد تأخیر مانع دستیابی سریع ارتش متجاوز به اهداف از پیش تعیین شده شود. به این معنی که با استفاده از عوارض زمین دشمن را به مواضع قابل دفاع کشانده و آماده شوند تا رسیدن عمده قوا او را دچار فرسایش نموده و برای دفع تجاوز اقدام نمایند. اساساً تا زمانی که تجاوز دشمن سد و متوقف نگردیده باشد، اجرای پاتک یا آفند متقابل مقدور نیست. بنابراین بحث تثبیت و متوقف نمودن ارتش متجاوز عراق، از اساسی ترین مباحث جنگ ایران و عراق است که ارتش و سایر مدافعین در روزهای آغازین جنگ موفق شدند که ماشین جنگی عراق را از حرکت بازدارند و ارتش متجاوز را پشت رودخانه های کرخه و کارون در منطقه جنوب و روی ارتفاعات بازی دراز و... در غرب کشور متوقف نمایند. در عین حال به نظر می رسد آن طور که باید و شاید در ادبیات دفاع مقدس به آن پرداخته نشده و به اهمیت و حساسیت آن توجه نشده است. در حالی که سایر عملیات آفندی، به خصوص در سال دوم جنگ، تحت تأثیر اقدامات و عملیات های سال اول جنگ بود که ضمن متوقف نمودن دشمن با انجام عملیات های محدود فرسایش لازم را در او ایجاد کرده و برای عملیات های بزرگ سال دوم آماده نمود. بنابراین توجه به سه نکته اساسی در متوقف کردن و سد کردن راه پیشروی دشمن و ممانعت از دستیابی به اهداف اولیه دشمن ضروری می باشد:

- ۱- اهمیت سرنوشت ساز و حیاتی متوقف کردن و تثبیت دشمن
- ۲- نقش ارتش با همه تنگناهای خود در زمین، هوا و دریا، در متوقف نمودن دشمن قابل توجه است.
- ۳- متوقف سازی متجاوز، سرآغاز و زمینه ساز حرکت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در اقدامات آفندی بعدی بوده است.

۱۱- اقدامات مهم ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال اول جنگ

در این قسمت ضروری بنظر می رسد تا فهرست بخشی از اقدامات نیروهای سه گانه ارتش در سال اول جنگ را بطور مختصر برشماریم:

الف- نزاجا

- ۱) مقاومت در مقابل هجوم ارتش عراق و انجام عملیات تأخیری به منظور جلوگیری از دستیابی سریع به اهداف خود
- ۲) انجام شناسایی های لازم و استقرار مناسب نیروهای خودی جهت جلوگیری از پیشروی دشمن
- ۳) احضار، آموزش و بکارگیری بیش از ۸۵ هزار نفر از سربازان منقضی خدمت ۵۶ بعنوان نیروی احتیاط
- ۴) متوقف نمودن و تثبیت دشمن در مواضع نا مناسب
- ۵) آغاز حملات محدود نیروهای خودی جهت حفظ روحیه خودی و شناسایی با رزم
- ۶) سازماندهی و تکمیل یگان های ارتش هم زمان با تجاوز عراق بدلیل آسیب های پس از کودتای نقاب
- ۷) آموزش نیروهای مردمی و سپاه
- ۸) اعزام و گسترش یگان های نیروی زمینی ارتش در نیمه اول سال ۱۳۵۹، به مناطق مرزی
- ۹) ممانعت از تداوم عملیات آفندی دشمن در سه ماهه اول تجاوز به ویژه در کرخه و بهمن شیر

- ۱۰) ایجاد زمینه برای حضور سپاه در جنگ و تجهیز و آموزش نیروهای بسیج به رغم ممانعت های بنی صدر
- ۱۱) تلاش های فوق العاده هوانیروز در نبرد های تخصصی وشجاعانه با تانک های دشمن و ایفای نقش تاریخی در تثبیت دشمن
- ۱۲) انجام بیش از یکصد عملیات آفندی و پدافندی به صورت مستقل یا با همکاری نیروهای مردمی در سال اول جنگ

۱۳) شکست راهبرد دشمن در جنگ باصطلاح برق آسا و ممانعت از رسیدن او به اهداف اولیه

لازم به ذکر است برای تبیین بیشتر موضوع تثبیت دشمن در منطقه جنوب و تشکیل خط پدافندی در مقابل ارتش عراق، سندی با عنوان «دستورالعمل شماره ۸ (طرح دفاعی خوزستان) موجود است که در ۲۱ آبان ۱۳۵۹ در قرارگاه تاکتیکی نزاها در جنوب (دزفول) صادر شده و مرحوم سرلشگر ظهیر نژاد به عنوان فرمانده وقت نزاها آن را امضاء نموده است. (اصل سند در مرکز اسناد هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی موجود است).

ب- نهاجا

- ۱) دفع و کم اثر نمودن عملیات هوایی دشمن با پدافند عامل و غیرعامل در ۵۹/۶/۳۱
- ۲) انجام عملیات انتقامی در روز اول مهرماه با حداقل ۱۴۰ فروند جنگنده درون خاک عراق
- ۳) کسب برتری هوایی نسبی در سال اول جنگ
- ۴) پشتیبانی هوایی نزدیک مؤثر از عملیات یگان های زمینی و مشارکت در متوقف نمودن دشمن
- ۵) کسب اطلاعات راهبردی و تاکتیکی
- ۶) انهدام زیرساخت های اقتصادی و تأمین انرژی عراق
- ۷) رهگیری هواپیماهای عراقی و نا امن نمودن آسمان ایران برای جنگنده های ارتش متجاوز

پ- نداجا

- ۱) تشکیل گروه رزمی ۴۲۱ به منظور فرماندهی منطقه عملیات دریایی در جنوب غرب
- ۲) خارج کردن شناورهای نداجا از ارون رود بمنظور جلوگیری از غافلگیری و انهدام آنها در حمله اولیه عراق
- ۳) ممانعت از گسترش نبرد به خلیج فارس با انجام گشت های دریایی
- ۴) درگیری مؤثر و موفق با یگان های شناور عراقی در عملیات مروارید و شهید صفری و انهدام نزدیک به دو سوم نیروی دریایی عراق در روز شصت و هفتم جنگ که موجب شد تا پایان جنگ این نیرو در محاصره قرار گرفته و از صحنه نبرد به طور کامل خارج باشد.
- ۵) کسب سیادت دریایی و حاکمیت مطلق بر آبهای خلیج فارس
- ۶) انهدام سکوهاى البکر و الامیه
- ۷) شرکت مؤثر در عملیات دفاع از خرمشهر بوسیله تکاوران دریایی
- ۸) ایجاد فضای امن در آبراه ها بمنظور تدارکات و پشتیبانی از نیروهای خودی
- ۹) حفاظت از منابع نفتی در جزایر سرزمینی خلیج فارس

۱۲- دستور امام خمینی (ره) به جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش

هم زمان با اتفاقات صحنه جنگ، صحنه سیاسی کشور نیز شاهد رقابت تگاتنگ رقبای سیاسی و درگیری مردم در جنگ داخلی با منافقین و ائتلاف منافقین با بنی صدر رئیس جمهور (وقت) و فرمانده کل قوا بود که نهایتاً به عزل رئیس جمهور از فرماندهی کل قوا انجامید. امام خمینی (ره) پس از عزل بنی صدر طی حکمی به شرح زیر، موقتاً اختیارات فرماندهی کل قوا را برای اداره صحنه جنگ به شهید سرلشگر ولی الله فلاحتی تفویض فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم
تیمسار ولی الله فلاحتی، جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
تا تعیین تکلیف جانشین فرماندهی نیروهای مسلح، ستاد مشترک مجاز است با استفاده از اختیارات مقام رهبری (۱) مأموریتها و وظایف محوله را انجام دهد.
- ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ - روح الله الموسوی الخمينی.

صحیفه امام (ره)

بنابراین با حکم فوق فرماندهی جنگ در مناطق غرب و جنوب در اختیار ستاد ارتش و جانشین رئیس ستاد ارتش قرار می گیرد. در واقع در همین دوره است که عملیات فرمانده کل قوا در منطقه آبادان انجام شده و اقداماتی برای شکستن حصر آبادان و اجرای عملیات ثامن الائمه نیز صورت می گیرد. اما پس از عملیات موفقیت آمیز ثامن الائمه و شکستن حصر آبادان و شهادت فرماندهان عالی جنگ در سانحه سقوط هواپیمای سی ۱۳۰، تغییرات و دگرگونی های دیگری در سطح فرماندهی عالی جنگ و صحنه های نبرد با دشمن صورت می گیرد که به طور مختصر به اقدامات ارتش در آن مقطع نیز اشاره خواهد شد.

۱۲- اقدامات ارتش در سال دوم جنگ

با اتفاقات اخیر و شهادت جانشین رئیس ستاد مشترک که وظیفه فرماندهی و اداره جنگ را نیز به عهده داشت، شورای عالی دفاع سرهنگ صیاد شیرازی که در آن زمان فرمانده منطقه غرب کشور و مشغول پاکسازی شهرهای کردستان از لوٹ وجود ضدانقلاب بود را برای فرماندهی نیروی زمینی پیشنهاد کرد و مرحوم ظهیر نژاد فرمانده نیروی زمینی را به ریاست ستاد ارتش برگزید که هر دو تصمیم مورد تصویب حضرت امام خمینی (ره) فرمانده کل قوا قرار گرفت. شایان ذکر است که با این انتصابات، دو اتفاق مهم در نیروی مسلح درگیر با ارتش عراق افتاد. اول این که یک بار دیگر نیروی زمینی با جابجایی فرماندهان یگان های عمده و سازماندهی مجدد مواجه شد و غالب فرماندهان جابه جا شدند و عموماً فرماندهان هم فکر، جوان، هم رأی و هم نظر با فرمانده جدید نزاچا به مشاغل عمده نیرو منصوب گردیدند و دوم این که براساس ابتکار عمل شهید صیاد، روابط جدیدی بین ارتش و سپاه مبتنی بر همکاری و نوعی فرماندهی مشترک بر عملیات ها و میدان های نبرد حاکم شد. این همکاری مشترک طبیعتاً تحرک فوق العاده ای را در جبهه ها ایجاد کرد. به تعبیر دشمن در یکی از اسناد بدست آمده از پرونده شهید صیاد در استخبارات عراق، ماشین جنگی ایران به حرکت در آمد. - و باعث شد ظرف هشت ماه یعنی از دهم مهر ۱۳۶۰ (تاریخ انتصاب فرمانده جدید نزاچا) تا سوم خرداد ۱۳۶۱ با انجام عملیات های مشترک طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس، مرحله دفع تجاوز دشمن آغاز شده و قریب ۱۲ هزار و ۵۰۰ کیلومتر مربع از ۱۵ هزار کیلومتر مربع سرزمین های اشغالی آزاد گردد.^۳ بنابراین اقدامات ارتش در سال دوم جنگ که منجر به تحرک وسیع نیروهای ارتش و سپاه در جبهه ها گردید بشرح زیر خلاصه می شود.

(۱) انتصاب سرهنگ علی صیاد شیرازی به فرماندهی نزاچا

^۳- در عملیات های ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس مجموعاً ده هزار کیلومتر مربع از سرزمین های اشغالی توسط رزمندگان اسلام آزاد شد. دشمن چون در منطقه و مواضع نامناسبی قرار گرفته بود، از ۲۵۰۰ کیلومتر مربع نیز داوطلبانه عقب نشینی کرد.

۲) آموزش، تجهیز و سازماندهی سپاه و بسیج برای ورود به جنگ

۳) تشکیل قرارگاه مشترک ارتش و سپاه بمنظور طراحی و فرماندهی عملیات های کربلا

۴) دفع تجاوز دشمن در هشت ماه با عملیات های مشترک (طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس)

رزم آوران پرتوان ایران اسلامی اعم از ارتشی، سپاهی، بسیجی و جهاد سازندگی، در واپسین ماه های سال دوم جنگ، در پناه عزم ملی با وحدت و انسجام کامل که به ترکیب مقدس^۴ معروف شده بود، توانستند بخش عمده ای از سرزمین اشغال شده خود را از وجود دشمن متجاوز پاک نمایند. اوج این رشد و بالندگی و حماسه آفرینی در عملیات بیت المقدس و بازستانی خرمشهر نمایان گردید؛ تا آنجا که امروزه در روایت تاریخ جنگ، خرمشهر نماد مقاومت بی مانند و نمونه اراده ملت سرفراز ایران برای کسب پیروزی به شمار می آید.

۱۳ - سال سوم تا پایان جنگ (تنبیه متجاوز)

تدبیر شهید بزرگوار سپهبد صیاد شیرازی برای انجام عملیات های مشترک با ترکیب مقدس و ادغام نیروهای سرباز و بسیجی به عنوان یک ابتکار در مرحله دفع تجاوز بسیار کارساز بود و نتایج قابل ملاحظه ای پدید آورد، اما برای مرحله بعدی جنگ تحمیلی که تعقیب و تنبیه متجاوز بود، مشکلاتی ایجاد شد. برای توضیح این مشکل به وجود آمده می توان گفت، فرماندهی مشترک با این تعبیر که برای یک عملیات، نام دو فرمانده پای آن باشد از نظر اصولی کاری غیر منطقی و غیر علمی بود که در هیچ مدرک معتبر علمی و نظامی، مشابهی برای آن وجود ندارد. به عبارت دیگر در این اقدام، اصل وحدت فرماندهی که یکی از اصول جنگ است، نادیده یا کمرنگ فرض شده است. لیکن در شرایط سال دوم جنگ که کشور در اشغال دشمن بود، برای رسیدن به هدف دفع تجاوز، این گزینه (دو فرمانده برای عملیات) اجتناب ناپذیر بود و شرایط استثنایی سال دوم جنگ و درک مسئله حضور دشمن و اشغال سرزمین، نیروها و فرماندهان ارتشی و سپاهی را به درجه ای از اخلاص و ایثار و گذشت رسانده بود که براحتی یکدیگر را تحمل می کردند و همین عامل پیروزی های شگفت انگیز در سال دوم شد اما از سال سوم و پس از پیروزی های سال دوم که احتمالاً باعث ایجاد نوعی غرور کاذب بین فرماندهان و رزمندگان نیز شده بود و در شرایطی که جنگ در خاک دشمن ادامه داشت و دشمن سرسختانه از سرزمین خود دفاع می کرد. همه این عوامل باعث بوجود آمدن اختلاف بین فرماندهان ارتشی و سپاهی گردید. البته شهید صیاد شیرازی بعنوان فرمانده ارتشی حاضر در صحنه نبود، تلاش های زیادی برای ایجاد وحدت فرماندهی در جبهه های جنگ انجام داد، لیکن به هردلیل به توفیق نایل نگردید. (شهیدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) این اختلافات تا پایان عملیات بدر تشدید شد و نهایتاً پس از ملاحظات فراوان و اقدامات مختلف در رده عالی جنگ، به ناچار در سال ۱۳۶۴، تصمیم به جداسازی عملیات های ارتش و سپاه و انجام عملیات های مستقل اتخاذ گردید. بنابراین خلاصه اقدامات و تغییرات بعد از فتح خرمشهر در سال دوم جنگ تا اواخر سال هفتم بشرح زیر خلاصه می شود:

۱) اختلاف در فرماندهی بین ارتش و سپاه

۲) تلاش ناموفق ارتش (شهید صیاد شیرازی) برای ایجاد وحدت فرماندهی در جنگ

۳) انجام عملیات های ناموفق رمضان، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، خیبر و بدر

۴) جداسازی عملیات های ارتش و سپاه از سال ۱۳۶۴

۵) پشتیبانی یگان های ارتش از کلیه ی عملیات های سپاه در هوا و زمین

^۴ - ترکیب مقدس، واژه آشنائی است که فرماندهی وقت نزاجا - شهید سپهبد صیاد شیرازی در گفته های خود برای فراهم نمودن وحدت و همدلی بین نیروهای ارتش و سپاه از آن بهره می برد و البته بسیار کارساز افتاد تا جایی که توانست در دورانی از جنگ این وحدت را از قوه به فعل در آورد و عملیات های موفق را با ترکیب نیروهای مردمی و سپاه و ارتش به سرانجام رساند.

۶) انجام عملیاته ای قادر، کربلای ۶ و ۷ توسط نزاجا
۷) پدافند ارتش در بیش از هزار کیلومتر از مرز ایران و عراق تا پایان جنگ

توضیحات بیشتری پیرامون اتفاقات فوق از زبان و قلم سایر کارشناسان و فرماندهان دفاع مقدس بشرح زیر ارائه می شود:

الف - ادغام نیروها:

با وجود این که تجربه ادغام، ترکیب و هماهنگی نیروهای، سپاه پاسداران و نیروی زمینی ارتش در مقاطعی از جنگ اعجاز آفرین و کار ساز بوده و نتیجه غیر قابل انکاری داشته است، اما رویدادهای بعدی به روشنی نشان میدهد که این اقدام به صورت موردی، شکننده و غیر قابل اعتماد و تحت شرایط ویژه انجام گرفته و چون هیچ گونه ارتباط تدوین شده ای بین دو نیرو وجود نداشت و نیروهای ادغامی در سلسله مراتب فرماندهی همدیگر قرار نداشتند، در مواقع ضرورت مسائل، مشکلات و تصمیم گیری های نهایی با دخالت افراد ذی نفوذ و در پاره ای اوقات با وساطت کسانی خارج از سلسله مراتب و به صورت کدخدا منشی حل و فصل می گردید که البته چنین روش هایی در نظام مدیریتی دنیای امروز، آن هم در راس هرم و در شرایط بحران که دقایق و ثانیه ها در تصمیم گیری سرنوشت ساز است، نه تنها جایگاه مطلوبی ندارد، بلکه تردید و عدم قاطعیت در نظام تصمیم گیری و طولانی شدن خط تصمیم گیری، می تواند فاجعه آفرین باشد. بنابراین بسط و توسعه روش هدایت نیروهای رزمی با دو فرماندهی مستقل و در سازمان های دولتی با دو مدیریت به عنوان یک الگو و روش امکان پذیر نیست و در میدان عمل مردود شمرده شده است. درک و باور این نتیجه گیری دور از انتظار نیست. زیرا صرف نظر از هر مسئله جانبی دیگر، از دید اقتصادی حذف سازمان های موازی به عنوان یک راه کار مناسب شناخته شده، از وظائف اولیه برنامه ریزان در سطح جامعه می باشد. و رعایت این اصل، به ویژه در کشور ما که بنا بر هزینه کمتری در امور دفاعی است، باید به طور جدی مورد توجه دست اندر کاران امور دفاعی و امنیتی قرار گیرد.

ب - جدائی نیروها

ایت الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات خود مینویسد: «در این عملیات (عملیات رمضان) پیشروی محدود داشتیم، خیلی کمتر از اهداف تعیین شده و اولین ضربه به روحیه رزمندگان که فکر می کردند، چیزی نمیتواند مانع پیشروی شان شود، وارد شد. همین تجربه در عملیات والفجر مقدماتی هم تکرار شد، با موانعی از نوع دیگر، البته نباید نقش اختلاف نظر فرماندهان ارتش و سپاه را در نحوه انجام عملیات نادیده بگیریم که یکی بیشتر به شیوه های کلاسیک جنگ می اندیشد و دیگری به شیوه های ابتکاری و انقلابی و شهادت طلبانه پای می فشرد. مفهوم گفتار آقای هاشمی را به نوعی میتوان از بیانات سردار محسن رضایی استنباط کرد.» (درودیان محمد، آغاز تا پایان، ص ۷۸)

پ - وضعیت ارتش

بررسی پیشینه جنگ های قرن اخیر نشان می دهد، هیچ ارتشی در ایام جنگ نه تنها بی نیاز از حمایت های ویژه دولت ها و کمک های داوطلبانه مردم نبوده، بلکه پیروزی و یا شکست همیشه به توانائی استفاده از امکانات نهفته در جامعه و همبستگی و همدلی نیروهای مسلح و ملت، بستگی مستقیم داشته است. در این راستا ارتش جمهوری اسلامی ایران افزون بر این که از این قاعده نمی تواند مستثنی باشد، بلکه از آنجائی که وقوع انقلاب تمام زیر ساخت های آن را دگرگون کرده بود، به عنوان یک نیاز مضاعف می بایستی مورد حمایت افزون تری قرار می گرفت در صورتی که پشتیبانی از ارتش در زمان جنگ مشکلات عدیده داشت. (نقش ارتش در هشت سال دفاع مقدس؛ ص ۱۳) به عنوان یک نمونه روشن می توان به افزایش ساختار سازمانی نیروها اشاره کرد که به طور معمول در جنگ با احضار نیروهای ذخیره و احتیاط عملی می شود. اما این اقدام به دلیل گسستگی نظام ارتش ناشی از التهاب اولیه انقلاب نه تنها عملی نگردید، بلکه در روند

سربازگیری به طور سنتی هم خلل ایجاد گردید و تمام سربازان در اختیار ارتش قرار داده نمی شدند. در ایام جنگ، همواره یکی از مشکلات نیروی زمینی کمبود نیروی انسانی و به تبع آن یگان مانوری بود. در همین زمینه در کتاب دفاع مقدس آمده است: "عمده ترین مشکلات نیروی زمینی برای اجرای عملیات آفندی گسترده و سرنوشت ساز کمبود یگان مانوری با توجه به عرض جبهه و گسترش یگانها در مواضع پدافندی بود." (جعفری ۱۳۸۷؛ ص ۵۰) به همین دلیل بود که نزاجا در مقاطعی از جنگ برای تحرک در جنگ و انجام عملیات آفندی درخواست واگذاری تعدادی از نیروهای بسیج به این نیرو را داشت که هیچگاه عملی نگردید. سردار محسن رضائی فرمانده وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی میگوید: "عملیات رمضان را که انجام دادیم و عدم الفتح حاصل شد، دیگر همه برادران ارتش آمدند و گفتند که بایستی از اصول جنگ ارتش و جداول کلاسیک استفاده شود و نباید همه نیروهای بسیج را به سپاه بدهند، بلکه از نیروهای بسیج به ارتش هم باید بدهند، قبل از عملیات والفجر مقدماتی همین بحث ها منجر به تعویق زمان عملیات به مدت یک ماه شد." (درودیان، محمد؛ آغاز تا پایان؛ ص ۷۸)

۱۴- روند تضعیف ارتش ایران و تقویت ارتش عراق در شش سال پایانی جنگ

نگاه کارشناسانه از منابع مختلف به پاره ای آمار و ارقام و ... و مقایسه گسترش سازمان خودی و دشمن در سالهای جنگ، روشنگر محدودیت های ارتش جمهوری اسلامی ایران در انجام عملیات های مستقل و مداوم می باشد.

سال	کل نیروهای نظامی	نیروی زمینی	نیروی هوایی	نیروی دریائی
۱۳۵۹	۲۴۰ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۷۰ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۰	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۱	۱۹۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۰ هزار نفر
۱۳۶۲	۲۰۵ هزار نفر	۱۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۳	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۴	۳۰۵ هزار نفر	۲۵۰ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۲۰ هزار نفر
۱۳۶۵	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر
۱۳۶۶	۳۵۴/۵ هزار نفر	۳۰۵ هزار نفر	۳۵ هزار نفر	۱۴/۵ هزار نفر

جدول شماره ۱: آمار نیروی انسانی نیروهای سه گانه در ۸ سال دفاع مقدس (لطفیان، ۱۳۷۸ ص ۴۹۷)

در رابطه با جدول ارائه شده محدودیتهایی که در افزایش یگان های رزمی وجود داشت، موارد زیر قابل ذکر هستند:

الف - برابر جدول ارائه شده آمار پرسنلی نیروی هوایی به نصف و نیروی دریائی به ۲/۳ تقلیل پیدا کرده است، استفاده فراوان از هواپیماهای شکاری بمب افکن نیروی هوایی در دو الی سه ماه اول جنگ- شاید هم استفاده بیش از حد برای متوقف کردن هجوم اولیه متجاوز لازم بوده باشد- عدم امکان پشتیبانی آمادی مؤثر از این نیرو به علت تحریم های اعمال شده، کاهش توان رزمی و زمینگیر شدن (ground) هواپیماها و بالطبع کاهش نیروی انسانی تا حد نصف و همین استدلال در مورد نیروی دریایی، وضعیت این دو نیرو در از دست دادن درصدی از توان رزمی خود را توجیه میکند.

ب - نیروی زمینی که بیشترین بار جنگ را بدوش داشت، تعداد نیروهایش در چهار سال اول جنگ در حد ۱۵۰ هزار نفر ثابت ماند و تنها در دو سال آخر، ۱۵۰ هزار نفر نیروی وظیفه به آن اضافه گردید.

ج - نیروی زمینی از همان روزهای آغاز جنگ دست به گسترش سازمان خود زد و چون منابع لازم را در اختیار نداشت با استفاده از نیروی انسانی پشت جبهه (عموماً مراکز آموزشی) و کم و زیاد کردن یگان های رزمی اقدام به تشکیل چند یگان جدید نمود. (ایجاد تیپ چهارم در چند لشکر) بنابراین همیشه با کمبود نیروی سازمانی مواجه بود که با واگذاری تعداد بیشتری افراد وظیفه در دو سال آخر جنگ، ضمن این که کمبود سازمانی یگان های رزمی را بر طرف نمود (البته در حد جایگزین تلفات رزمی)، اقدام به تشکیل چند تیپ مستقل و تعدادی گردان قدس کرد.

د - درباره اقلام و تجهیزات عمده برای یگان های جدید التأسیس و جایگزینی اقلام عمده انهدامی و تعمیری، آن قدر شرایط نامطلوب بود که جای هیچ گونه تحلیل و تفسیری نمی ماند. با توجه به این که تهیه بیشتر تجهیزات و سلاح های سنگین از منابع داخلی امکان پذیر نبود و خرید از منابع خارجی با محدودیت شدید همراه بود، لذا نیروی زمینی مجبور گردید یگان های خود را با بهره برداری از اقلام آمادی موجود در آمادگاه ها تجهیز نماید، که این خود نقض غرض است؛ زیرا این اقلام محدود بطور معمول برای جایگزین کردن اقلام انهدامی پیش بینی شده بود. لازم به ذکر است در مواردی با برداشت از اقلام بعضی از یگان های رزمی، سایر یگان ها تجهیز و یا گاهی یگان های جدیدی تشکیل می شدند.

ه - به علت پای بندی جمهوری اسلامی ایران به آنچه ارزش های انقلاب نامیده می شد و غیر قابل انعطاف بودن سیاست خارجی، اکثر قریب به اتفاق کشورهای جهان از فروش تجهیزات مناسب مورد نیاز که به طور اجبار در زمان جنگ افزایش یافته بود، خودداری می کردند. به طوری که هیچ گاه نتوانستیم سلاح های مورد نیاز خود را به میل و اراده خود انتخاب کنیم، چون خریدهای محدود انجام شده که از مجاری مختلف و از روی اجبار و با واسطه انجام می گرفت در مجموع از کیفیت مطلوب برخوردار نبودند و بهره وری چندانی نداشتند. آماده نگهداشتن این تجهیزات برای نیروها با مشکلات زیادی همراه بود. در تحلیلی در این باره از کتاب ارتش و انقلاب اسلامی می خوانیم: "ایران با توجه به تحریم تسلیحاتی، از منابع متعددی تسلیحات لازم ارتش را با دشواری بدست می آورد. در بین فراهم آورندگان جدید جنگ افزار برای ایران می توان به کشورهای کره شمالی، چین و برزیل اشاره کرد. گوناگونی تسلیحات خریداری شده از کشورهای مختلف، مسأله آموزش نیروها و تهیه قطعات یدکی را بسیار دشوار ساخته بود. اما ایران درگیر جنگ تحمیلی فرسایشی دچار کمبودهای دائمی تسلیحات لازم برای نیروهایش، مجبور به خرید اسلحه از تمام منابع موجود بود." (لطفیان، ۱۳۹۲: ۴۲۵) در حالیکه شرائط دشمن به طور کامل با ما متفاوت بود. افزایش سازمانی آنچنان گسترده و به سرعت انجام می گرفت. سرلشکر و فیک سامرائی (مدیر اطلاعات ارتش عراق) که پس از اشغال عراق توسط آمریکا به لندن پناهنده شد، در کتاب ویرانی دروازه شرقی میگوید: «نیروهای مسلح عراق در سال ۱۹۸۷ به بیش از یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیدند زیرا نیاز دفاع (ساکن) گسترش یکصد و سی تیپ منظم در طول جبهه برای چند سال متمادی بود.» (السامرائی، ۱۳۸۹: ۱۴۰) در مقام مقایسه، توان جایگزینی نیروهای مسلح ایران در مقایسه با ارتش عراق، با نگرش به حمایت بی قید و شرط کشورهای کوچک و بزرگ جهانی از آن کشور، بسیار ناچیز بود. سرهنگ سید یعقوب حسینی که با نگارش هفت جلد کتاب، خدمت بزرگی به بازگویی جنگ کرده است می نویسد: "اگر ایران چیزی از دست می داد دیگر جایگزین نمی شد. درحالی که ارتش عراق هر مقدار وسائل و تجهیزات از دست می داد، احتمالاً بیش از دو برابر آن، با کمک پشتیبانان همه جانبه بین المللی وی تأمین میگردد. و هر قدر فشار نظامی ایران بر نیروهای عراق در میدان های جنگ شدیدتر می شد به نسبت مضاعف، پشتیبانی از حکومت و ارتش عراق توسط تقریباً اغلب کشورهای جهان - هر کدام در حد توانائی سیاسی و اقتصادی و نظامی خود- افزایش می یافت. (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۹۷)

۱۵- مرحله پایان جنگ سال ۱۳۶۷

پس از عملیات های کربلای ۵ و کربلای ۸ منطقه جنوب (معبّر شلمچه) به شدت از سوی ارتش عراق دفاع می شد و امکان هیچ عملیاتی وجود نداشت. سپاه پاسداران برای ادامه عملیات های تهاجمی و بدنبال گرفتن زمین یک منطقه حساس از عراق که امتیازی باشد برای پایان جنگ، به منطقه شمال غرب گرایش پیدا کرد و راه کار را در این دید که رفتن به منطقه کردستان عراق، ارتش این کشور را به آن منطقه خواهد کشید، سپس می توان از منطقه جنوب به سمت بصره رفت. سپاه برای عملی کردن این تدبیر نیروها را به سمت شمال گسیل داشت. از طرفی شرایط پس از قطعنامه ۵۹۸ که ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد و با اجماع پنج کشور عضو اصلی شورای امنیت تصویب شده بود، شرایط را برای ادامه عملیات ایران سخت تر کرده بود. چون محاصره اقتصادی شدیدتر شده بود، جنگ شهرها و جنگ نفت کش ها ادامه داشت، قیمت نفت به پنج دلار رسیده بود. جنگ روانی علیه ایران شدیدتر شده بود. جنگ شیمیایی عراق علیه ایران با اغماض غرب و رسانه ها انجام می گرفت. همه شرایط فوق شرایط را برای ادامه جنگ سخت تر کرده بود. از سوی دیگر امریکا نیز در خلیج فارس با نیروهای ایرانی درگیر شده بود و عراق نیز راهبرد جنگ تدافعی خود را از فروردین ۱۳۶۷، به تهاجمی تبدیل کرد. لذا تغییر راهبرد جواب منفی داد و زمانی که سپاه نیروها را به شمال برده بود، ارتش عراق حمله خود را از فاو شروع کرد. فاو پس از ۲۴ ساعت سقوط کرد و عملیات های موفق عراق به مانند دومینو به سایر جبهه ها سرایت کرد و تا ۶۷/۴/۳۱ کلیه جبهه های ارتش و سپاه تقریباً فرو پاشید. بنابراین کلیه اتفاقات سال پایانی جنگ مختصراً بشرح زیر رقم خورد:

- ۱) اتخاذ راهبرد عملیات آفندی در شمالغرب توسط سپاه
- ۲) آغاز عملیات های عراق از جنوب به منظور باز پس گیری (فاو، شلمچه، مجنون و...)
- ۳) پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی ایران و عدم پذیرش آن توسط عراق
- ۴) ادامه حملات ارتش عراق در ۴/۲۱ و ۶۷/۴/۳۱ و فروپاشی جبهه های ارتش و سپاه
- ۵) عملیات فروغ جاویدان منافقین با پشتیبانی ارتش عراق در ۶۷/۵/۳
- ۶) عملیات مرصاد در ۶۷/۵/۴ توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (علیرضا برزگر ۱۳۷۹: ۲۲۵)

۱۶- عملیات مرصاد در پاسخ به فروغ جاویدان (منافقین)

مرداد ۱۳۶۷ و در پی دستور مسعود رجوی سرکرده گروهک مزدور منافقین نیروهای منافقین از محور سرپل ذهاب وارد ایران شدند و به سرعت تا نزدیکی شهر «کرد» پیش رفتند. علت عدم درگیری تا این محل با نیروهای ایران، یکی این بود که توپخانه عراق تا بعد از سرپل ذهاب از پیشروی منافقین حمایت فعال می کرد. منافقین بدون هرگونه مقاومت محلی پس از عبور از کرد، اسلام آباد غرب را اشغال کرده و آماده شدند تا به سمت کرمانشاه حرکت کنند. از طرفی جاده اسلام آباد به سمت کرمانشاه از سوی مردمی که از اسلام آباد و روستاهای اطراف به سمت کرمانشاه می گریختند، اشغال و مسدود گردیده و طبیعتاً ترافیک ایجاد شده، عبور نیروهای منافقین را در گردنه حسن آباد در ۴۰ کیلومتری کرمانشاه متوقف کرد. لذا فرصتی ایجاد شد تا شبانگاه نیروهای مدافع ارتشی و سپاهی و بسیجی و نیروهای مردمی در گردنه چهارزبر مقابل منافقین جبهه ای تشکیل دهند.

با احضار شهید صیاد شیرازی توسط مسئول عملیات ستادکل از تهران در حالیکه نیروهای ارتش و سپاه در منطقه غرب و جنوب وضعیت مناسبی نداشتند، صحنه نبرد عملیات مرصاد به او سپرده شد. (مؤمنی، ۱۳۷۸: ۳۵۸) شهید سپهبد علی صیاد شیرازی که در سال های پایانی جنگ به دلیل تغییر مسئولیت، از خط مقدم دور بود به واسطه لطف خداوند متعال با عنوان نماینده امام (ره) در شورای عالی دفاع، از نزدیک فرماندهی یگان های هوانپروز و نیروی هوایی و رزمندگان حاضر در منطقه را

به عهده گرفت و به همراه خلبانان شجاع هوانیروز و نیروی هوایی، لشکر منافقین و مزدوران صدام را در تنگه "مرصاد" منهدم و تار و مار کرد و تا انهدام کامل به تعقیب آن‌ها پرداخت.

لذا مهم‌ترین اقدامات عملیات مرصاد بشرح زیر است:

- (۱) متوقف شدن دشمن در تنگه مرصاد با حضور یگان‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران در منطقه عملیاتی با توجه به اینکه منافقین به صورت ستون و متکی بر جاده در حال حرکت بودند، ایجاد جبهه زمینی را از روبرو بسیار مشکل می‌کرد، لذا بعد از توقف منافقین، طراحی عملیات به طرف استفاده از برتری هوایی جهت پیدا کرد.
- (۲) هواپیمایی نیروی زمینی ارتش (هوانیروز) با اجرای نقش اصلی خود در این عملیات صحنه‌هایی از حماسه و ایثار آفرید که بارها در طول جنگ تکرار شده بود. بالگردهای ارتش با استفاده از جناحین و در طول جاده و ارتفاعات مناسب اطراف جاده، موضع گرفته و به طرف ستون بهم ریخته آتش گشودند و نفرات پیاده را که در کوه‌ها متواری شده بودند تعقیب کرده و به هلاکت رسانده و یا به تسلیم واداشتند.
- (۳) یورش بی‌امان، دلاورانه و پرتوان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با جنگنده‌های تیزپرواز به طرف ستون نظامی منافقین آغاز شد. سازمان رزم دشمن در همان حملات اولیه متلاشی و نفرات پیاده سراسیمه به طرف جاده و کوه‌های اطراف پناه بردند.
- (۴) یگان‌های ارتش و سپاه مستقر در منطقه عملیات (مرصاد) با تعقیب منافقین به دستگیری نفرات متواری منافق اقدام کردند.
- (۵) انجام عملیات هلی برن بمنظور بستن عقبه دشمن و جلوگیری از فرار به طرف عراق توسط نیروهای ارتش و سپاه. اراده خداوند متعال بر این بود که نقش "شهید صیاد شیرازی" در کنترل غائله کردستان در سال اول انقلاب و بعد در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور و همچنین در عملیات مرصاد علیه منافقین، یگانه و منحصر به فرد شده و یاد و خاطره آن شهید عزیز و والامقام در تاریخ و اذهان ملت بزرگ ایران، جاودانه شود. (توحیدیان، ۱۳۹۲: ۲۴)

۱۷- نتیجه گیری

- (۱) سد پیشروی و تثبیت نیروهای ارتش عراق در ایران با انجام عملیات تأخیری، توسط نیروی زمینی، نیروی هوایی و عملیات نیروی دریایی در خلیج فارس، سرآغاز و زمینه ساز و مبدأ کلیه عملیات های بعدی بود. اگر پیشروی عراق سد نمی شد و راه های مواصلاتی دشمن به شهرهای حیاتی در استان خوزستان و... مسدود نمی شد و آب راه خلیج فارس، این گلوگاه حیاتی برای نیروهای خودی باز نمی ماند، بعید بود که بعداً عملیات های مهم و سرنوشت ساز ثامن الائمه(ع)، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس را برای دفع تجاوز دشمن انجام دهیم. به بیان دیگر، سد پیشروی عراق به عنوان یک اقدام تاکتیکی و با عملیات تأخیری دارای نتایج راهبردی به شمار می‌رود.

- ۲) مراحل چهارگانه، تأخیر، تثبیت، دفع تجاوز و انهدام دشمن که در طرح ابوذر پیش بینی شده بود تا پایان هشت سال جنگ پیگیری شد. اگرچه در سه مرحله اول تا پایان سال دوم جنگ توفیقات نسبتاً کاملی بدست آمد ولی در مرحله انهدام دشمن (تعقیب و تنبیه متجاوز) توفیقات کامل نبود.
- ۳) تجربه بکارگیری دو نیرو به طور مشترک با فرماندهی مستقل و با نادیده گرفتن اصل وحدت فرماندهی، گرچه در مقطعی، جواب مثبت داده است ولی تجربه موفقی نبوده و در دراز مدت، شکننده، غیر قابل اعتماد و اختلاف بر انگیز است و نیازمند یک هیأت حل اختلاف در شرایط ویژه و در هر رده فرماندهی میباشد.
- ۴) تغییر راهبرد (عملیات های آفندی) از جنوب به منطقه شمال غرب بنظر انجام عملیات های والفجر ۱۰ و... در حالی که برآورد دقیقی از توانمندی های خودی و دشمن ارائه نگردیده و صرفاً با تصور کشیدن نیروهای عراقی به شمال عراق و سپس حمله از جنوب، باعث شد که عراق از لاک دفاعی خارج شده و عملیات های آفندی خود را از فاو شروع کرده و پس از موفقیت زودهنگام به مثابه یک دومینو سایر جبهه ها را درنوردید و شکست بی سابقه ای را به جبهه های خودی تحمیل نماید که در نهایت باعث تضعیف روحیه رزمندگان و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی فرمانده کل قوا حضرت امام خمینی(ره) گردید. ولی پس پیروزیهای رزمندگان در عملیات موفقیت آمیز مرصاد با لطف و عنایت الهی، مجدداً وحدت و انسجام به نیروهای خودی برگشت و ستادکل نیروهای مسلح با توان بیشتر و روحیه مضاعف به مأموریت های خود ادامه داد.

۱۸- منابع:

- ۱- آزادبخت، مروت، (۱۳۸۲)، جامعه شناسی جنگ، تهران، انتشارات چاپخانه ارتش جمهوری اسلامی ایران
- ۲- بختیاری مقدم، حسن و محمود رستمی، (۱۳۹۱)، تأثیر آینده پژوهی بر برنامه ریزی
- ۳- بوفر، آندره، مقدمه ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورز، دفتر مطالعات سیاسی و روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران
- ۴- تیمرمن، کنت آر؛ سوداگری مرگ؛ ۲۰۰۳، ص ۷۴۵
- ۵- جنگ عراق با ایران، جابر البلاذی، (۱۳۹۰) تهران: دانشنامه جهان اسلام، بازبینی شده
- ۶- لطفیان، سعیده، ارتش و انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲، ص ۴۲۵
- ۷- زهرا روزبهانی، عملیات مرصاد، نشریه گلبرگ، ش ۱۰۰ به نقل از خاطرات سرهنگ مجتبی جعفری، تهران، معاونت فرهنگی و روابط عمومی اداره عقیدتی و سیاسی نزاجا
- ۸- سنبلی محمد رسول، (۱۳۸۹)، اصول و قواعد اساسی در رزم. تهران: دانشگاه امام علی (ع)
- ۹- قدیمی، فرشید، ۱۳۸۹، اولین پاسخ، مکعب، تهران
- ۱۰- سید یعقوب حسینی(۱۳۸۴)، ارتش جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جلد اول
- ۱۱- سید یعقوب حسینی، (۱۳۹۳)، تیپ ۲ لشکر زرهی در آغاز جنگ تحمیلی، هیئت معارف جنگ، ایران سبز.
- ۱۲- سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس جلد اول (تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، ۱۳۷۲
- ۱۳- سید یعقوب حسینی(۱۳۸۶) جبهه جنوب، ابوتراب ذاکری، نشر آجا
- ۱۴- حبیبی، نیک بخش، (۱۳۸۸)، بررسی میزان تأثیرپذیری شیوه های نبرد نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی

- ۱۵- حامد اشراقی(۱۳۸۸)، کودتای شب، انتشارات مرز و بوم
- ۱۶- خاطرات لطف الله میثمی از نهضت آزادی تا مجاهدین، انتشارات صمدیه، ج ۲، ص ۳۷۶
- ۱۷- خاطرات شفاهی امیر سرتیپ دوم مروت آزادبخت،سایت رسمی آجا
- ۱۸- خاطرات شفاهی امیر سرتیپ مسعود بختیاری
- ۱۹- وفیق السامرایی، م، عدنان قارونی، (۱۳۸۰) ویرانی دروازه شرقی، مرکز فرهنگی نمایندگی ولی فقیه در سپاه
- ۲۰- عبد الحلیم ابو غزاله، نادر نوروز شاد(۱۳۸۰)مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- ۲۱- معاونت تحقیق و پژوهش. دکترین عملیات نیروی زمینی(۱۳۸۵). تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۲۲- محمدی نجم، سیدحسین، (۱۳۸۷)، جنگ شناختی، تهران، انتشارات مرکز آینده پژوهی و فناوری دفاعی
- ۲۳- مؤمنی، محسن، ۱۳۸۷، درکمین گل سرخ، سوره مهر، تهران
- ۲۴- نباتی، عزت الله، مبانی پدافند غیرعامل، دانشکده علوم و فنون فارابی، ۱۳۸۸